

تاریخ، پشتوانه‌های

اشاره

کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ با همکاری کارگروه کودک و نوجوان، نشستی را با **شهرام اقبال‌زاده**، مترجم و نویسنده و منتقد ادبیات کودک و نوجوان، دکتر **محمد رضا روزبهانی**، نویسنده و پژوهشگر و استاد تاریخ دانشگاه فرهنگیان و دکتر **فاطمه تقوایی**، مجری این نشست و مدیر پژوهش‌سرای خوارزمی پاکدشت و با همیاری گروه تاریخ خانه اندیشمندان علوم انسانی، در خصوص درس تاریخ نوجوانان برگزار کرد. آنچه در این جا می‌آید، حاصل این نشست است.

گزارشگر: **محمد حسین معتمد راد**
کارشناس ارشد تاریخ



در پی شیوه‌های جدید و مؤثر آموزش تاریخ به بچه‌ها بودند. یادم هست سال ۸۲ یک نمایش اجرا کردند که مربوط به تاریخ معاصر ایران بود و خیلی هم جذاب کار کرده بودند و یک گام به جلو بود و بچه‌ها با حضورشان در نمایش، تاریخ را بهتر می‌فهمیدند. یکی از ابزارهای مؤثر در آموزش تاریخ به نوجوانان، استفاده از ادبیات نمایشی تاریخی است، حالا چه نمایشنامه، چه تصویرنامه و چه فیلمنامه. چطور می‌شود از ادبیات نمایشی تاریخی در آموزش تاریخ استفاده کرد؟ چگونه معلم‌ها از نمایشنامه‌های تاریخی برای بهبود آموزش تاریخ به بچه‌ها استفاده کنند؟ به دو شکل می‌توانیم: یکی خواندن انفرادی دانش آموز و دانش‌جو و دوم از طریق نمایشنامه‌خوانی جمعی. در عصر حاضر، هنر سینما و نمایش و دیگر هنرها و رسانه‌ها نقش مهمی در زندگی ما دارند. الان نگاه کنید به اروپا و آمریکا؛ فقط از طریق کتاب نیست که در حال تلقین فرهنگ و باورهایشان به مخاطبان در سطح جهان‌اند، بلکه از

در این نشست، ابتدا **دکتر روزبهانی** درباره اهمیت موضوع آموزش تاریخ به نوجوانان با ابزارهای متنوع ادبیات نمایشی تاریخی و رسانه‌ها، صحبت خود را این‌چنین آغاز کرد:

قبل از اینکه عضو هیئت علمی دانشگاه بشوم، حدود بیست سال دبیر تاریخ بودم، اما اکنون با توجه به نظریه‌های جدید آموزشی، در دانشگاه فرهنگیان درس آموزش تاریخ را به معلمان تدریس می‌کنم و معتقدم باید به گونه‌ای به معلم تاریخ آموزش بدهم که معلم با نظریه‌ها و روش‌های جدید آموزش تاریخ آشنا شود. خانم دکتر تقوایی هم در این زمینه خیلی زحمت کشیدند و می‌دانم که شیوه آموزش سنتی تاریخ را برنمی‌تافتند و همواره



برای حال و آینده

تفسیر اختصاصی از تاریخ در بسیاری از آن‌هاست. از همین نمایشنامه‌های تاریخی برایتان مثال می‌آورم که هم دارند تاریخ را برایمان بیان می‌کنند و هم فهم نویسنده نمایشنامه را برای ما عیان می‌کنند. دومین دلیلش هم این است که با آشنا کردن دانش‌آموزان و دانشجویان علاقه‌مند به هنر نمایش و کشاندن آنان به سمت خواندن، نوشتن و اجرای نمایشنامه‌های تاریخی در مدارس و دانشگاه‌ها، آنان هم تاریخ می‌خوانند و هم اگر دانش نمایشنامه‌نویسی داشته باشند، می‌توانند با نوشتن یک نمایشنامه، فهم و درک خود را از حوادث بیان کنند؛ و این خودش کمکی است به آموزش تاریخ. بنابراین لازم است که معلمان با این مضامین آشنا شوند.

روزی خطاب به جمع حاضر در نشست که از دانش‌آموز و دانشجو و معلم و علاقه‌مندان به تاریخ در آن حضور داشتند، این پرسش را مطرح کرد که: «آیا در این جمع، به‌خصوص معلمان تاریخ که در جمع ما حاضرند، کسی هست که نمایشنامه‌های تاریخی خوانده باشد و اگر خوانده است، این روش را به‌عنوان آموزش با بچه‌ها کار کرده باشد؟» بعید می‌دانم.

دکتر تقوایی، مجری برنامه، بعید



استاد را تبدیل به قریب کرد و گفت: بله «جعفرخان از فرنگ برگشته»، یک نمایشنامه کوتاه که در دوره قاجار نوشته شده بود و من همواره در کلاس، این را درس می‌دادم.

نمایشی که دوران گذار سنت به مدرنیته را در دوره قاجار به سادگی و روشنی بیان می‌کند. روزی خطاب به ادامه به بازگشایی معنا و مفهوم ادبیات نمایشی پرداخت و گفت:

ارسطو یکی از انواع مهم ادبیات را ادب نمایشی (دراماتیک) می‌دانسته است. این نوع ادب از همان ایران باستان رواج داشته و برای مثال در دربار سلوکیان و پارت‌ها نمایشنامه اجرا می‌شده است. اگر نقالی و تعزیه را هم با کمی اغماض،



هنر سینما و فیلم هم استفاده می‌کنند که اتفاقاً مؤثرتر است. در تمام فیلم‌های مهم سینمای کشورها می‌فهمید که فلسفه و نوع جهان‌بینی و معرفت‌شناختی‌شان از دنیا چیست و خیلی راحت نوع نگاهشان را به دنیا تلقین می‌کنند. بنابراین ما هم باید از این ابزارها به‌خوبی استفاده کنیم.

من معلم تاریخ هم می‌توانم به اشکال مختلف در آموزش تاریخ به بچه‌ها مؤثر باشم. برای مثال، بچه‌ها را به اردو ببرم، به موزه ببرم، ببرم که فیلم یا نمایش ببینیم و... می‌گویم می‌شود از نمایشنامه‌های تاریخی هم به‌عنوان ابزار آموزشی و گاهی حتی به‌عنوان منبع تاریخی استفاده کرد (وقتی می‌گویم منبع، مراد این است که نویسنده نمایشنامه یا قصه یا فیلم، خودش در همان دوران می‌زیسته و بنابراین از آن اثر می‌توانیم به‌عنوان منبع هم یاد کنیم). به دو دلیل لازم است معلمان تاریخ ما، چه در دبیرستان و چه در دانشگاه، با ادبیات نمایشی و نمایشنامه‌ها آشنا شوند. دلیل اول وجود مضامین تاریخی به همراه فهم و

مادر آموزش تاریخ کافی است همت کنیم
 به سمت نمایشنامه‌های تاریخی برویم، هم
 با خواندنشان فهم تاریخی می‌یابیم و هم
 اینکه این شیوه یادگیری جذابیت دارد

ناصرالدین شاه، آن هم کارهای ترجمه‌ای، مطرح بوده است. یعنی می‌خواهم بگویم اهالی تاریخ، هیچ‌وقت به این مباحث بی‌توجه نبوده‌اند. این روند در پهلوی دوم و هم‌اکنون هم به شکل گسترده ادامه دارد و بیشتر آن‌ها هم رنگ و حال تاریخی دارند. اما از مشروطه به این سو، ایرانی‌ها خودشان وارد نوشتن نمایشنامه‌های تاریخی می‌شوند و خیلی از موضوعات تاریخی را دست‌مایه کار خود قرار می‌دهند، گاهی مستقیماً تاریخی و گاهی گویای فرهنگ و سنت‌های ایرانیان. روزبهرانی در دقایق پایانی این نشست، خطاب به جمع گفت: زنده‌یاد **عبدالحسین زرین‌کوب** در زمینه نمایشنامه و قصه‌نویسی نیز آثاری دارند و بنده تصمیم دارم نمایشنامه‌هایشان را در قالب کتاب، جمع‌آوری و به همراه نقد خود نسبت به این آثار، اگر خدا بخواهد، تا پایان سال جاری چاپ و منتشر و عرضه کنم. ما در آموزش تاریخ کافی است همت کنیم که به سمت نمایشنامه‌های تاریخی برویم، هم با خواندنشان فهم تاریخی می‌یابیم و هم اینکه این شیوه یادگیری جذابیت دارد.

در ادامه این نشست، **اقبال‌زاده** به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت:



هدف ما از خواندن تاریخ این نیست که در گذشته بمانیم. اما وقتی از تاریخ صحبت می‌کنیم، از چه صحبت می‌کنیم؟ البته این مسئله فقط در اینجا یا در زمان

گذشته و اکنون نیست، در غرب هم همین مسائل هست. کسانی که «میشل فوکو» را خوانده‌اند، می‌دانند که کل آموزش در خدمت بازتولید قدرت است و یکی از ارکان بازتولید، هویت‌سازی درس تاریخ و کتاب‌های تاریخ است. می‌گویند کسی که تفسیر گذشته را در دست دارد امروز را نیز در دست دارد. خوب، در غرب چه اتفاقی می‌افتد؟ سیاست‌گذاران و چهره‌های رسمی اغلب می‌خواهند مطالعه تاریخ را در جهت تقویت دیدگاه‌ها و برداشت‌های خاص از گذشته بکشانند. اما تاریخ را می‌خوانیم برای چه؟ فوکو می‌گوید: «ما تاریخ را از نگاه امروز برای فردا می‌خوانیم.» بد نیست اشاره کنم که قرار بود نمایشگاه مشترکی بین آمریکا و ژاپن درباره پیامد بمباران هیروشیما برگزار شود، ولی به دلیل اختلاف درباره واقعیت‌ها و تفسیر آن‌ها برگزار نشد. چرا؟ فرض کنید نمایشگاهی قرار است بین صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها برگزار شود؛ یک طرف ویران شده و مردم غیرنظامی و کودکان



نوعی نمایش بدانییم، در ایران، پس از ظهور اسلام رواج داشته است. نمایشنامه، تصویرنامه‌ای است که با کلمات نوشته می‌شود و کارگردان هنگام اجرا از این اثر، تصویر ادبی و نمایشی و دیداری پدید می‌آورد. در ایران، نمایش سنتی بیشتر در تعزیه خلاصه می‌شد. نمایشنامه‌نویسی در ایران از دوره قاجار، یعنی از زمان عباس‌میرزا شروع شده و در دوره

نابود شده‌اند. یک طرف به بهانهٔ ۷ اکتبر و مبارزه با وحشت‌افکنی (تروریسم) می‌خواهد قدرتش را نه فقط به حماس و حزب‌الله، بلکه به کل اعراب و ایران و ترکیه نشان بدهد که ما چینییم و چنان، مثل قدرت‌نمایی آمریکا که به رخ شوری و اروپا کشید که ببینید چطور امپراطوری قدرتمند ژاپن را از پا درآوردیم! دیدیم که آن نمایشگاه برگزار نشد. او می‌خواهد حرف خودش را بزند، این هم می‌خواهد حرف خودش را بزند.

به مناسبت ۲۰۰ سالگی استرالیا (البته این ۲۰۰ سالگی از منظر انگلیسی‌هاست که ۲۰۰ سال پیش آنجا را تأسیس کردند) می‌خواهند جشن بگیرند و فقط از این دو‌بست سال و روز تأسیسش بگویند، ولی این هم برگزار نمی‌شود. چرا؟ چون طبیعی است که بومی‌های آنجا با این جعل تاریخ مخالف باشند، چون آنان هم دانشگاه رفته‌اند و در سده‌های اخیر هم تاریخ می‌خوانند و هم می‌نویسند و می‌دانند که قدمت استرالیا خیلی بیشتر از ۲۰۰ سال است.

همین حالا شما فکر می‌کنید آمریکا چند سال قدمت دارد؟ یعنی وقتی «آمریکو وسپوچی» می‌رود و به اصطلاح آنجا را کشف می‌کند و اسمش را می‌گذارند آمریکا، ما می‌گوییم کشف، ولی واقعیت این است که تمدن اینکاها سده‌ها قبل وجود داشته و سرخ‌پوست‌ها و بومی‌ها بودند و...، اما در تاریخ‌نگاری سفیدپوست‌ها تاریخ آنان حذف شده است. بنابراین وقتی می‌خواهیم برای بچه‌ها تاریخ را روایت کنیم، چگونه باید روایت کنیم؟ اصلاً تاریخ چیست؟

با این همه، هر متن تاریخی بستگی به این دارد که تاریخ‌نگار از چه منظر و از چه فلسفهٔ تاریخی بیاید داده‌ها را جمع و تحلیل کند. مورخ باید بتواند در میان انبوه داده‌ها و کلاف پیچاپیچ تاریخ، روند عمدهٔ تحولات تاریخی را دریابد. حالا نمی‌دانم در جمع ما دوست جامعه‌شناس هست یا نه؛ و بر می‌گوید: «در جامعه‌شناسی باید از ارزش - داوری بپرهیزیم و معتقد است که در تحقیقات و تحلیل تاریخی باید نگاه علمی داشته باشیم، بعد می‌گوید، محقق، داده‌ها را باید بی‌طرفانه گردآوری کند و باز می‌پرسد، خب حالا چگونه تحلیل کند؟ و در ادامه می‌گوید، اما نمی‌تواند فارغ از ارزش - داوری تحلیل کند.» یک تحلیلگر تاریخ می‌گوید که برای اثبات هر نظری، داده به اندازهٔ کافی وجود دارد، پس چگونگی چینش داده‌ها خیلی مهم است.

چون وقت من به پایان رسیده، خلاصه کنم، ما تاریخ نمی‌خوانیم که در گذشته بمانیم، ما وقتی تاریخ می‌خوانیم، باید پشتوانه‌ای باشد برای درک حال و نگاه به آینده، یا به تعبیر دیگر، نوعی دورخیز کردن برای حرکت به جلو. در عین حال، نباید در رمان تاریخی، شخصیت نوجوان یا قهرمانان آن منفعل باشد و

ما وقتی تاریخ می‌خوانیم، باید پشتوانه‌ای باشد برای درک حال و نگاه به آینده، یا به تعبیر دیگر، نوعی دورخیز کردن برای حرکت به جلو



نقش پذیر، بلکه باید کنشگر باشد. به‌طور کلی، ادبیات کودک سه کارکرد دارد: عاطفه را سامان دهد و برانگیزد، تخیل را گسترش دهد و تفکر را برانگیزد.